

## عتبات و نقش تأثیرگذار و سازنده مرجعیت آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی

محمدحسین ریاحی<sup>۱</sup>

### چکیده

### پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،  
شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴

۱

عتبات در رهگذر ایام و به‌ویژه در چند دهه اول قرن بیستم میلادی شاهد اتفاق‌ها و وقایع بسیاری بود. عراق چندین قرن زیر سیطره خلافت عثمانی و به‌عنوان جزئی از امپراتوری بزرگ اسلامی واقع شده بود؛ اما با شگردهای استعماری غرب و در قرارداد موسوم به سایکس پیکو (۱۹۱۶ م) بخشی از سلطه بریتانیا به حساب آمد و شهرهای آن و مهم‌تر از همه عتبات با توجه به تبعات این مسئله به‌شدت مورد تهدید قرار گرفت. مراجع تقلید شیعه که همواره به حفظ حدود و ثغور قلمرو مسلمانان، رهایی از تسلط بیگانگان، وحدت اسلامی و پیشبرد مقاصد معنوی و مادی جامعه توجه داشتند در این دوران سخت با درایت، بردباری و اعتقاد کامل به مبانی مسائل را زیر نظر داشتند و به مدیریت جامعه در ابعاد مختلف پرداختند. مرجعیت مطلق ده‌ساله مرحوم سید ابوالحسن مدیسه‌ای اصفهانی (۱۳۵۵ - ۱۳۶۵ ق) در عالم تشیع به‌ویژه عراق و عتبات از جمله نجف نشان از این مسئله دارد؛ به‌طوری‌که در آثار، اسناد و منابع بدان اشاره شده است. در پژوهش حاضر به فضای کارآمد این دوره با عنوان مرجعیت اصفهانی با توجه به سه موضوع توسعه علمی و فرهنگی، خدمات اجتماعی و وحدت اسلامی و مقابله با استعمار و نقش ایشان در این راستا توجه و تا اندازه‌ای تبیین و در پایان، به رسیدگی به امور اجتماعی و حقوق جامعه، اهتمام به وحدت و حفظ استقلال و امنیت عراق و عتبات در این دوره پاسخ داده شده است.

**کلید واژه‌ها:** عراق، عتبات عالیات، مرجعیت، سید ابوالحسن اصفهانی، رشد و تقویت حوزه، خدمات اجتماعی، استقلال، وحدت اسلامی، استعمارستیزی.

۱. دکترای تاریخ اسلام، پژوهشگر و استاد بازنشسته دانشگاه فرهنگیان، اصفهان، ایران

m.h.riyahi.r@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۳۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۲۳

## مقدمه

از جمله مسائلی که باعث تحولات چشمگیر معنوی و فرهنگی عتبات عالیات به‌ویژه در سده‌های اخیر شده، حضور عالمان و اندیشمندان بزرگ دینی و شخصیت‌هایی از علمای مذهبی شیعه در عتبات بوده است. این مسئله به‌خصوص در دو قرن گذشته جلوه‌ای خاص و قابل توجه داشته است؛ از جمله این شخصیت‌ها مرجع بزرگ مرحوم آیت‌الله العظمی سید ابوالحسن مدیسه‌ای اصفهانی (۱۲۸۴-۱۳۶۵ ق) است. اقدام‌ها و فعالیت‌های متعدّد او در زمینه‌های گوناگون و در ابعاد مختلف باعث گام‌هایی از ناحیه ایشان در سه مسئله یا موضوع در عتبات (در نجف، کربلا، سامرا و کاظمین) شده که در پژوهش حاضر به سه دسته تقسیم شده است: یکی، اقدام‌های علمی و توسعه و تبلیغ در راستای پیشبرد فرهنگ جامعه اسلامی و نیز تقویت حوزه‌های علمیّه تشیع به‌ویژه نجف و بقیه عتبات عالیات؛ دوم، رسیدگی به امور مردم و مسائل عمرانی عتبات برای شیعیان و یا حتی اهل سنت؛ سوم، امور سیاسی و گام‌هایی در خور تقدیر (از جمله دفاع از کیان جهان اسلام به‌ویژه استقلال عراق و حفظ امنیت و آرامش عتبات).

با توجه به موارد فوق دوران مرجعیت مرحوم آیت‌الله سید ابوالحسن مدیسه‌ای اصفهانی در نجف (۱۳۵۵-۱۳۶۵ ق) را می‌توان از درخشان‌ترین ایام در رشد فکری، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی عتبات عالیات برشمرد که سهم مدیریت و رهبری این مرجع تیزبین و با درایت شیعه بسیار ستودنی است.

در این پژوهش کوشش شده است که ابعاد مذکور با استناد به برخی منابع و اسناد بررسی شود تا نقش مؤثر و انکارناپذیر مرحوم آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی در این راستا بیشتر نمایان شود.

## توسعه علمی و فرهنگی

حوزه علمیّه نجف اشرف که با مهاجرت شیخ الطائفه، یعنی ابوجعفر محمد بن حسن بن علی معروف به شیخ طوسی از بغداد به نجف و در سال ۴۴۸ قمری بنیان گرفت، نهادی بود که با هزار سال عمر با برکت خود تاکنون پرورش صدها شخصیت عالم و عامل را

عهده‌دار بوده و از رهگذر آن تحولات ویژه علمی و معنوی بسیاری در آن صورت گرفته است.

در طی ده سده گذشته تأثیرگذاری این پایگاه برجسته روحانی در جوار بارگاه ملکوتی امام‌الموحّدین علی بن ابی طالب فیض‌های برجسته‌ای را برای جهان اسلام و به‌ویژه شیعه امامیه به همراه داشته است.

حوزه علمی نجف در جوار مرقد مطهر علوی مهم‌ترین نهاد آموزشی - معنوی شیعه در طول تاریخ است و از اواسط قرن پنجم هجری تاکنون مشعل فروزان علمی، فقهاتی و حدیثی را به دوش کشیده است (موجانی، ۱۳۸۹، ص ۱۰-۱۱).

مرکز علمی شیعیان (امثال شیخ مفید بنیان آن را گذاشته بودند) پس از مصیبت‌هایی که بر منطقه کرخ بغداد (کاظمین) رخ داد برای همیشه به نجف اشرف منتقل و از آن زمان به بعد این نجف بود که اصلی‌ترین حوزه علمی در عتبات شد.

سید ابوالحسن اصفهانی که در مدیسه از رو ستاهای لنجان اصفهان چشم به جهان گشوده بود، دوران مقدماتی تحصیل را در حوزه علمی اصفهان گذراند و در سال ۱۳۰۷ قمری راهی عتبات عراق شد و در آنجا از شخصیت‌هایی ممتاز در فقه و اصول چون آیات عظام میرزا محمدحسن شیرازی (میرزای بزرگ)، میرزا حبیب‌الله رشتی، سید محمدکاظم یزدی و آخوند خراسانی استفاده کرد و در شهرهای سامرا، کربلا و نجف از استادان مبرّزی سود برد. سید ابوالحسن اصفهانی با جدّیت، تلاش، زهد و ژرف نگری به نتایج مفید و مقامی والا دست یافت (ریاحی، ۱۳۸۷، ص ۲۰-۲۲).

پس از درگذشت شیرازی دوم (میرزا محمدتقی شیرازی) در سال ۱۳۳۹ قمری سه نفر به‌عنوان مرجعیت تقلید مطرح شدند که عبارت بودند از: آیات عظام: نائینی، کاشف الغطاء و سید ابوالحسن اصفهانی. با درگذشت دو نفر اول در سال ۱۳۵۵ قمری مقام مرجعیت و زعامت شیعیان در وجود آیت‌الله اصفهانی متمرکز و منحصر شد و تا ده سال بعد که زندگی را وداع گفت در این مقام باقی بود (خیابانی، ۱۳۸۲، ص ۹۳؛ العاملی، بی‌تا، ص ۳۳۲).

از جمله ویژگی‌های مهم آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی رونق حوزه نجف بود (ریاحی، ۱۳۸۷، ص ۳۲). او فراست خاصی در اداره این حوزه به خرج داد که قبل از وی

سابقه نداشت (ریاحی، ۱۳۸۷، ص ۳۲).

یکی از فرهیختگان و شخصیت‌های حوزوی در این باب آورده است: «آوازه علمی مرحوم سید (از عتبات عالیات) به شرق و غرب امت اسلامی رسید و او تنها پناهگاه مردم گردید. او جامع صفات حسنه و رفتارهای پسندیده بود و در قرن چهاردهم همانند خورشیدی در میان ستارگان درخشید. او مجدد مذهب و ملجا امت بود. عالمی بود عادل، فقیه، اصولی، سخاوتمند، شجاع، باتدبیر و محبوب القلوب. او دستی توانا در رتق و فتق امور دینی و مطالب شرعی داشت. هرگاه سخن می‌گفت همانند باران ریزش داشت و اگر سکوت می‌کرد، همانند دریا عمیق بود. هیچ‌کس بر او وارد نمی‌شد، مگر اینکه با خوشحالی از نزد او خارج می‌گشت و تصورش این بود که فقط او مورد عنایت سید واقع شده است. وی به تنهایی همه امور را انجام می‌داد. بدون آنکه معاون و مشاور داشته باشد. او هر آنچه را انجام می‌داد با استمداد از خداوند و با اتکا به تدبیر و آرا و نظرات حکیمانه خود او بود» (پاک‌نژاد، ۱۳۸۳، ص ۲۶-۲۷).

او اداره حوزه علمی بزرگ نجف، کربلا، کاظمین، سامره (سامرا) و سایر مکان‌ها را به عهده داشت و امور تمامی اهل علم را (هرجا که بودند) به شایستگی اداره می‌کرد. خلقتی کریم و هوشی سرشار و تحمل مشقات بسیار داشت. هرکسی را که سال پیش دیده بود، با یک نگاه می‌شناخت. بسیار بلندنظر و دست و دلباز بود. ریا ست دینی و مرجعیت تقلید لباسی بود که به حق براننده آن پیشوای عالی قدر و با عظمت شیعیان بود. شرق و غرب دنیای اسلام نام او را شنیده بودند و در بزرگداشتش کوشا بودند. تمامی شیعیان عصر به وجودش مفتخر و او نیز همه آنها را همچون فرزندان خویش زیر نظر داشت (دوانی، ۱۳۸۳، ص ۱۴۶-۱۴۷).

آیت‌الله اصفهانی همواره بر آن بود که مانند اجداد طاهرینش گره‌گشای کار مردم باشد و به اهل علم نیز اهتمام خاصی داشت. او می‌فرمود: «درب خانه‌ام بر روی همگان باز است. هرکس مشکلی دارد، بیاید در توانم مشکل را حل کنم». چون خود سختی دیده بود به فکر زندگی طلاب بود. علاوه بر حوزه نجف به طلاب سامرا، کربلا، مشهد، قم و... شهریه می‌داد و به سادات و علویان کاظمین نیز رسیدگی می‌کرد (دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم،

۱۳۷۳، ص ۴۳).

از مواردی که درباره مرحوم مدیسه‌ای نقل شده است این است که «سید ابوالحسن اصفهانی به جهت عدم قطع نان طلاب، حتی حاضر شد پول خانه خود را بدهد تا نان اهل علم قطع نشود و در این راستا آمده است: نانوایان نجف [به دلیل نبودن پشتوانه مالی] دیگر به طلبه‌ها نان نمی‌دادند. مرحوم آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی پول مختصری تهیه کرده بودند برای منزل، آقا پول تهیه منزل را به نانوایان آنجا می‌دهند و می‌فرمایند نان را قطع نکنند و [شاید] سبب ظاهری مرجعیت ایشان همین جا بود. ایشان چنین گذشته می‌کنند و شهرت وی به جایی می‌رسد که تمام علمای نجف و ایران احترام و تکریم می‌کنند (مصاحبه با آیت‌الله سید محمد فقیه احمدآبادی، ۱۳۸۶؛ ریاحی، ۱۳۸۷، ص ۴۳).

وی (مرحوم اصفهانی) برای رفاه بیشتر اهل علم خانه‌هایی را در عتبات به ویژه در نجف اجاره کرده بودند تا آنها به راحتی و آسودگی به تحصیل پردازند که حدود ۲۰۰ خانه بود (اصغری نژاد، ۱۳۷۳، ص ۵۷).

البته خود ایشان در زمان تحصیل و حتی پس از مرجعیت نیز مدتی اجاره‌نشین بود (دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۳، ص ۴۲).

جایگاه علمی و فقهی سید ابوالحسن در عتبات، عراق و سایر مجامع علمی و دینی به گونه‌ای بود که علامه سید محسن امینی العاملی می‌نویسد: «در سال ۱۳۵۲ قمری که به عراق سفر کردم و او را مورد ارزیابی قرار دادم، دیدم او مردی است دارای فکر عمیق و دانش و فقه وسیع و تدبیر نیکو و آگاه به امور. همت و تلاشش در راه اصلاح اجتماع صرف می‌شود. مهربان نسبت به همه مردم، دارای همت عالی، سخاوت و سیاسی بزرگ. اینها همه علاوه بر جایگاه علمی و فقهی و قوه اجتهادی بود که داشت و جداً لایق ریاست عامه شیعه بود» (العاملی، بی تا، ج ۲، ص ۳۳۲).

مجالس درس و بحث مرحوم اصفهانی در نجف بی نظیر و گرانبار بود. شاگردان بسیاری را تربیت کرد. به نوشته یکی از شاگردان او: «مرحوم آقا سید ابوالحسن مرد فوق‌العاده‌ای بود. بر فقه خیلی مسلط بود و بر این فن تبحر داشت. بر کرسی درس که قرار می‌گرفت «وسائل الشیعه» را باز و روایت‌های مربوط به بحث را قرائت می‌کرد. آنچنان دسته‌بندی

شده و جذّاب مطلب را ارائه می‌داد که از سان خسته نمی شد» (دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴، ص ۲۸).

او دیدگاه‌های علمی و فقهی والایی داشت و رونق خاصی را به مجالس در سی عبات خاصه نجف بخشیده بود. آیت‌الله جعفری همدانی در این راستا آورده است: «از ابتدای ورود به نجف (۱۳۴۵ ق) در درس خارج مرحوم آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی تا آخر عمر آن بزرگوار (۱۳۶۵ ق) شرکت کردم. انصافاً فقه خوبی داشت. مرحوم آقا شیخ محمدتقی آملی فقه ایشان را بر فقه مرحوم نائینی ترجیح می‌داد» (دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، ۱۳۷۱، ص ۲۷).

به جز دقت نظر و تدابیر مرحوم اصفهانی در نجف، سایر شهرهای عبات نیز از نظر علمی و اجرایی هم مورد توجه ایشان بود. او در بعضی مناسبت‌ها که به کربلا می‌رفتند، اهل علم نیز حضور داشتند و در منزلی نزدیک تل زینبیه جلوس داشت و جمعیت چشمگیری از طلاب و یا سایر اصناف به دیدار ایشان می‌شتافتند و بهره می‌بردند (دوانی، ۱۳۸۳، ص ۱۴۴).

بسیاری از جماعات شیعه (علما و یا سایر طبقات) مسائل شرعی و دینی خود را با سید اصفهانی در میان می‌گذاشتند. در لبنان نه تنها شهرهای بزرگ و مراکز جمعیتی مهمی مانند بیروت، شهرک یا روستایی مانند «قانا» نیز با سید در ارتباط بودند (اصغری نژاد، ۱۳۸۷، ص ۳۸۰-۳۸۱). شبه‌قاره هند و مراکز دینی در دهلی، لکهنو و یا شهرهای دیگر هم از حمایت‌ها و رهنمودهای آیت‌الله اصفهانی بهره‌مند بودند. مکاتباتی مانند نامه‌ای که به احتمال، سید به سید ناصر حسین (فرزند صاحب عبات) نوشته نشانگر این مسئله است (اصغری نژاد، ۱۳۸۷، ص ۳۸۲-۳۸۳).

شخصیت اخلاقی، معنوی و علمی و محبوبیت اصفهانی چنان بود که میرزا محمدتقی شیرازی (میرزای دوم) نخستین مرجعی بود که احتیاطات خود را به اصفهانی ارجاع داد. طبسی نجفی در «الشیعه و الرجعه» اشاره می‌کند که میرزای شیرازی، آقا سید ابوالحسن اصفهانی و شریعت اصفهانی را پس از خود شایسته مقام مرجعیت معرفی کرده بود. پس از وفات آیات نائینی و حائری یزدی در سال ۱۳۵۵ قمری و آقا ضیاء عراقی در ۱۳۶۱ قمری

مرجعیت تقلید شیعیان در بخش عمده جهان تشیع به شخص اصفهانی منحصر شد که این تمرکز قبل از او در وجود هیچ مرجعی دیده نشده بود (رجبی، ۱۳۸۲، ص ۵۶-۶۰).  
در مکتب عالمانه و فقه‌آیتی آیت‌الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی واقع در حوزه متبرک علوی (نجف اشرف) بسیاری از دانشوران فقه و اصول و مجتهدان عالی‌قدر و گرانمایه حاضر می‌شدند که بسیاری از آنان طلایه‌داران معنویت و دانش‌های دینی عتبات و سایر مناطق از جمله ایران بودند. بعضی از آنان عبارت است از حضرات آیات: سید محمود شاهرودی، سردار کابلی، سید علی یربلی کاشانی، میرزا آقا اصطهباناتی، محمدتقی آملی، سید ابوالحسن شمس‌آبادی، شیخ هاشم آملی، محمدرضا طبسی، سید عبدالله شیرازی، شیخ علی علیاری تبریزی، علامه سید محمدحسین طباطبایی و میرزا مهدی آشتیانی (ریاحی، ۱۳۸۷، ص ۲۴).

### خدمات اجتماعی

تمسک به سیره علوی و تأسی به سنت اولیا الهی از جمله آموزه‌های مهمی بود که مرجع عالی‌قدر آیت‌الله العظمی سید ابوالحسن مدیسه‌ای اصفهانی همواره بدان تأکید و مدنظر داشت. این شخصیت وارسته به‌ویژه در زمان مرجعیت به امور مردم رسیدگی می‌کرد و در این راستا، به شدت مراقب حقوق جامعه بود. شیخ محمد شریعت، فرزند مرحوم آیت‌الله شیخ فتح‌الله شریعت اصفهانی (متوفی ۱۳۳۹ قمری)، درباره پاره‌ای از خدمات آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی در خلال جنگ جهانی دوم گفته است: «در این جنگ خانمان‌سوز که فتنه و مصیبت آن تمام کره زمین را فراگرفته بود، عده‌ای از تجار حریص و خدانشناس سوء استفاده کردند و با انباشتن و احتکار مواد ضروری و مایحتاج عمومی مردم در انبارها عرصه را بیش از پیش بر آنان تنگ کردند. در مقابل، آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی قرار داشت. مردی که همگان او را در شداید و سختی‌ها می‌شناختند. او همچون پدری مهربان دست نوازش خویش را بر سر مردم که به منزله فرزندان او بودند، می‌کشید. ایشان وقتی با احتکار مواد غذایی و عکس‌العمل نابخردانه تجار مواجه شد، نهایت سعی و کوشش خویش را در پایین آوردن نرخ‌ها و از بین بردن قحطی و رساندن مواد غذایی و ضروری مردم به عمل آورد. وی از هر راهی که برایش امکان داشت با این ناهنجاری به مبارزه برخاست.

در شرایط عادی و زمان صلح عده‌ای از نانوایان از طرف ایشان در شهرهای نجف، کربلا، کاظمین و سامرا مأموران پختن نان برای فقرا بودند و روزانه به‌طور رایگان نان در اختیارشان قرار می‌گرفت. طبق برآوردی که کرده‌اند، هزینه‌ای که مرحوم سید تنها برای نان روزانه فقرا صرف می‌کرد، میان ۲۰۰۰ تا ۲۵۰۰ دینار در هر ماه بود. افزون بر این، شهریه و پرداخت‌های مرتبی داشت که به وکلا، فقرا و در ماندگان هر صنف و گروهی در کلیه شهرهای عراق پرداخت می‌کرد (اصغری‌نژاد، ۱۳۷۳، ص ۵۳).

«خانه‌اش بر روی همه باز بود چه اهل علم و یا سایر طبقات اجتماعی و مردم و ساکنین عتبات به‌ویژه نجف اشرف. وی مردی بسیار کریم و باسخاوت بود و مشکلات و گرفتاری‌های طلاب را برطرف می‌کرد، هرکس خدمت ایشان می‌رسید و اظهار حاجت می‌کرد، دست خالی بر نمی‌گشت. یکی از فضلا می‌گفت: خدمتشان بودیم که طلبه‌ای اظهار داشت آقا! فلان طلبه از نظر زندگی در مضیقه است. قرض فراوانی دارد. تقاضای کمک کرده است. فرمود چرا خودش نمی‌آید؟ من بارها گفتم، واسطه قبول نمی‌کنم. درب خانه‌ام به روی همگان باز است. هرکس مشکلی دارد، بیاید در حد توانم مشکل را حل می‌کنم؛ چون خود سختی دیده بود به فکر زندگی طلاب بود. علاوه بر حوزه نجف به طلاب سامرا، کربلا و... شهریه می‌داد. به سادات و علویان کاظمین رسیدگی می‌کرد» (دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، ۱۳۷۳، ص ۴۳).

کمک و مساعدت سید تنها منحصر به شیعیان عتبات نبود، اهل سنت و یا اهل کتاب را هم در بر می‌گرفت. شیوه مرحوم اصفهانی در کمک به مسلمانان به‌ویژه اهل سنت در سامرا گونه‌ای بود که در حفظ و مراقبت حرم عسکرین و نیز حفاظت از شیعیان ساکن در آنجا بسیار مؤثر بود. حکایت‌هایی وجود دارد که نشان می‌دهد این اقدام‌های مرحوم سید ابوالحسن در کمک به اهل سنت چه تأثیری در امنیت و آسایش زائران شیعی در سامرا داشته است (پاک‌نژاد، ۱۳۸۳، ص ۳۹).

او با مردمان عتبات از جمله در نجف به‌گونه‌ای مساعدت می‌کرد که او را پدری بزرگوار و مهربان می‌دانستند. در یکی از روزها به سید گفتند: شخصی نیازمند است. سید گفت: پس چرا نیاز خود را بر من عرضه نمی‌کند؟ گفتند: شرم و حیا مانع این کار است. فرمود: آیا

از من که پدرش هستم، شرمگین است؟! در صورتی که سزاوار است، از طلبکارهای خویش که ممکن است بدهی خود را طلب کنند و به او ناسزا بگویند خجالت بکشد (اصغری نژاد، ۱۳۷۳، ص ۵۶-۵۷).

در رفع حوائج مردم در عتبات مساعی بسیار داشت. گاهی ماهیانه سی هزار دینار عراقی به نیازمندان می بخشید که معمولاً بسیاری از آن قرض بود که بعد آن را با رسیدن حواله‌ها پرداخت می‌کرد (ریاحی، ۱۳۸۷، ص ۱۱۰).

کمک هزینه‌های مرحوم سید به جوانان به‌ویژه اهل علم از جمله در پرداخت اجاره‌بها و مسئله ازدواج در نجف، کربلا و کاظمین قابل توجه بود (ریاحی، ۱۳۸۷، ص ۱۲۶). علاوه بر آن، آیت‌الله اصفهانی مدافع حقوق اهل کتاب از جمله یهودیان در عتبات و عراق نیز بود (مصاحبه با آیت‌الله موسوی بجنوردی، ۱۳۸۶).

آیت‌الله محمدعلی گرامی در باب محبوبیت بی‌نظیر سید ابوالحسن اصفهانی می‌نویسد: «مرجعیت آقا سید ابوالحسن را هیچ‌کس حتی مرحوم آقای بروجردی (متوفی ۱۳۴۰ ش) هم پیدا نکرد. در تمام این نشیب و فرازها همیشه با مردم گرم و صمیمی بود» (اصغری نژاد، ۱۳۸۷، ص ۲۴۷).

### وحدت اسلامی و مقابله با استعمار

از جمله تلاش‌های بسیاری از شخصیت‌های دینی و مراجع تقلید شیعه در عراق و عتبات به‌ویژه در دو سده گذشته مقابله با تصرف و اشغال عراق به‌ویژه در عتبات عالیات بوده است.

در این راستا مجاهدت‌های میرزای اول (محمدحسن شیرازی)، محمد سعید حبیبی، شیخ محمدحسین کاشف الغطاء، میرزا محمدتقی شیرازی (میرزای دوم) و برخی دیگر از علمای شیعه را می‌توان نام برد. همچنین، در این زمره نیز مبارزه‌های خاندان‌هایی مانند آل کاشف الغطاء، شیرازی، صدر و حکیم تا سقوط رژیم بعثی در عراق را می‌توان مثال زد. وجود شخصیت‌هایی ممتاز تا حدودی در یک برهه زمانی یا نزدیک به یکدیگر در مبارزه‌ها با استعمار خارجی (به‌ویژه انگلستان) و یا استبداد داخلی (از حوزه علمیه نجف یا سایر حوزه‌های عتبات) و نیز در مسائل و موضوع‌های مربوط به عراق و یا ایران و حتی سایر

بلاد اسلامی قابل توجه بود. امثال آخوند ملا محمد کاظم خراسانی، سید محمد کاظم یزدی، میرزا محمد حسین نائینی و نیز سید ابوالحسن مدیسه‌ای اصفهانی در حفظ استقلال و تمامیت کشورهایمانند عراق و عزت این سرزمین نقش بسیاری داشتند که در این راستا به نقش آیت‌الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی در مسائل و مواردی از جمله دفاع از عراق و عتبات، حفظ عزت و آبروی مسلمانان (شیعه و سنی) در مقابل اجانب و بیگانگان و نیز ایجاد وحدت ملی و حفظ مسالمت در این سرزمین به‌ویژه عتبات عالیات اشاره می‌شود. به گفته یکی از مراجع تقلید: «ایشان (سید ابوالحسن) از نظر علم و عمل و شعور سیاسی خیلی بالا بودند. مرجع علاوه بر ملا بودن باید متدین باشد، دنیا طلب نباشد و عاقل باشد. مرحوم آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی انصافاً این گونه بوده است» (مصاحبه با آیت‌الله مظاهری، ۱۳۸۶).

آیت‌الله اصفهانی برای پیشبرد کشور عراق و حفظ جایگاه عتبات عالیات و نیز با توجه به شگردهای استعمار در تفرقه مسلمانان از جمله اختلاف بین شیعه و سنی به آنچه فکر می‌کرد یکپارچگی، اتحاد و حفظ وحدت بود. به گفته آقای سید محمد کاظم بجنوردی: «مسئله همزیستی بین شیعه و سنی [در عراق عهد مرجعیت آیت‌الله اصفهانی] قابل توجه بود. وقتی مرحوم اصفهانی به سامرا رفت، به همه کمک مالی می‌کرد، قلب آنها را جلب می‌کرد تا با شیعه همزیستی داشته باشند. این خیلی مؤثر بود که آیت‌الله اصفهانی تحیب قلوب می‌کرد، سخاوت ایشان معروف بود، به دوست و دشمن کمک می‌کرد؛ حتی کسانی که بدگویی می‌کردند به ایشان. سعه صدر سید کم‌نظیر بود (مصاحبه با موسوی بجنوردی، ۱۳۸۶؛ ریاحی، ۱۳۸۷، ص ۳۲-۳۳).

از دیگر مواضع آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی که از سیره علمی و فقه سیاسی ایشان می‌توان استنباط کرد و در عراق و عتبات تأثیرگذار بود باید به مواردی از این قبیل اشاره کرد: - اعلان جهاد علیه انگلیس و فرانسه در زمان جنگ جهانی دوم و همراهی با مجاهدان شیعه و اهل سنت در این پیکار مقدس؛

- همگامی با فتوای میرزا محمد تقی شیرازی (میرزای دوم) در انقلاب عراق؛  
- برخورداری از مواضع سیاسی در مقابل فیصل اول، حکمران عراق و تحریم انتخابات؛

- فتوای جهاد با انگلیس (وقتی که انگلیس می‌خواست پایگاه‌های خود را در بصره حفظ کند)؛

- حمایت از مستمندان جامعه اسلامی و مبارزه با محترکان در زمان جنگ جهانی؛

- زیر نظر بودن در قصر «عارف آقا» در کاظمین.

مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی که از زمان ورود به نجف شاهد فتوای میرزای شیرازی بزرگ در مقابله با استعمار خارجی و استبداد داخلی بود خود نیز در مقابله با استعمار انگلیس فتوا صادر کرد (ریاحی، ۱۳۸۷، ص ۵۷).

ترجمه متن فتوای آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی به وجوب دفاع از سرزمین عراق و عتبات عالیات:

بسم الله الرحمن الرحيم

سلام بر همه برادران مسلمان ما به خصوص برادران عراقی

وظیفه دینی بر همه مسلمانان لازم می‌دارد که در حفظ موقعیت درخشان اسلام و سرزمین‌های اسلامی تا آنجا که قدرت دارند، بکوشند و بر همه ما واجب است که سرزمین عراق را که مشاهد ائمه و مراکز دینی ما در آن است از تسلط کفار حفظ نموده و از نوامیس دینی آن دفاع کنیم. من شما را بر این دفاع دعوت و ترغیب و تشویق می‌کنم. خداوند ما و شما را برای خدمت به اسلام و مسلمین موفق فرماید. انشاءالله

۶ ربیع‌الثانی سال ۱۳۶۰ قمری

ابوالحسن موسوی اصفهانی (نورمحمدی، ۱۳۸۸، ص ۶۵).

فتوای مرحوم اصفهانی و بعضی علمای دیگر (درمقابل حاکمیت عوامل استعمار و انگلیس در عراق) چنان تأثیری در مردم گذاشت که امکان انتخابات را در شهرهایی چون نجف و کوفه سلب کرد. بعد از این رخدادها بود که استعمار پیر زمینه تبعید مراجع دینی را تدارک دید و آیت‌الله نائینی و آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی را به ایران تبعید کرد (حائری، ۱۳۶۰، ص ۱۶۹).

این تبعید که به دلیل ترس و انعطاف حاکم عراق (ملک فیصل) از انگلیسی‌ها صورت پذیرفت، از طرفی، باعث اعتراض‌های گسترده‌ای در عتبات عالیات، سایر شهرهای عراق و

جهان تشیع و حتی سایر بلاد اسلامی و از طرف دیگر، باعث نگرانی شدید پادشاه عراق و احساس ترس او از تحولات و انقلاب‌ها در آنجا شد. بدین جهت، پس از مدتی (از تبعید آیات عظام اصفهانی و نائینی از عبّات به ایران) دولت عراق هیئتی مرکب از شیخ جواد جواهری، سید محمدعلی بحرالعلوم، میرزا مهدی خراسانی و سید باقر بلاط را به قم فرستاد و از آیت‌الله نائینی و سید ابوالحسن اصفهانی و سایر علمای تبعیدشده پوزش خواستند و از آنها درخواست کردند به عراق برگردند. آنان دعوت را پذیرفتند و به عراق بازگشتند. مردم عراق نیز از آنها استقبال شایانی کردند (ریاحی، ۱۳۸۷، ص ۶۱).

عراق از جمله عبّاتی است که بارها مورد هجوم و تاخت و تاز فرقه و هابیت که ساخته و پرداخته استعمار بود، قرار گرفته بود و تجاوزات آنان در این خطه نورانی باعث رقم خوردن فجایع بسیاری از جمله تعدی به حرم ائمه طاهرین شده بود. عراق و عبّات همواره تهدیدی برای مسلمان به حساب می‌آمد. مرحوم آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی و برخی دیگر از مراجع از جمله مرحوم نائینی هوشیاری و دقت خاصی داشتند تا از تجاوزهای احتمالی و دفع شر این گروه جلوگیری شود. متن نامه آیات عظام اصفهانی و نائینی به آیت‌الله خالصی مؤید چنین مطلبی است:

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب حجة الاسلام محمد مهدی خالصی دامت برکاته

اعتماد و اتکایی به وعده دولت بریتانیا مبنی بر دفع شر خوارج و وهابیون از سر مسلمانان نیست؛ بنابراین منتظر حضور شما در کربلا، چند روز قبل از دیدار اصلی هستیم و به رؤسای عشایر نظیر سید نوری (الیاسری) و امیر ربیعه و سایر روسا بعد از ابلاغ سلام ما دستور فرمایید، حضور یابند و ما نیز با رؤسای عشایر که در ناحیه ما هستند جهت مذاکره در امور آنها آماده‌ایم. انشاءالله تعالی.

ابوالحسن اصفهانی

شیخ محمدحسین غروی نائینی «(الرهیمی، ۱۳۸۰، ص ۲۲۷).

رفتار و منش مرحوم آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی همواره باعث تقویت حوزه‌های عبّات به‌ویژه حوزه نجف اشرف و عزت و روحیه جمعی مسلمان و حفظ آبروی آنان

می شد. همچنین، این مسئله موجب تکریم غیرمسلمانان و اجانب به دقت و درایت ایشان بود. به ویژه اینکه بعضی از دیپلمات‌ها یا سیاستمداران و نمایندگان دولت‌های خارجی به ویژه غربی در صدد بودند تا به خصوص در حین جنگ جهانی دوم و یا پس از آن و بعد از انقلاب ۱۹۲۰ میلادی عراق گونه‌ای رفتار کنند تا از بازخورد خصمانه و خشم مسلمانان در عراق و عتبات در امان بمانند.

### پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،  
شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴

۱۳

رفتارهای آیت‌الله اصفهانی که نشان یا جلوه‌ای از حفظ و صیانت از اسلام و حریم جامعه اسلامی بود، حتی نمایندگان دولت غربی را به احترام خاصی به او وامی داشت. چندین نمونه از آن در برخی تألیفات و یا نوشته‌ها نقل شده است که به موردی اشاره می‌شود:

«رئیس قاند اولیا (گویا شخصی بوده است از ناحیه رئیس جمهور وقت ایالات متحده آمریکا) به همراه عده‌ای در نجف خدمت آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی رسیده و می‌گوید: یک چک از طرف رئیس جمهور برای شما یا طلاب داده‌اند. چک را جلو مرحوم سید گذاشت و رفت سر جایش نشست. مرحوم سید بدون اینکه به مبلغ چک نگاهی بکند فرمود: خیلی متشکرم. من دارم و احتیاجی ندارم و طلبه‌ها را خودم به آنها می‌رسم. شما از طرف من این پول را به خانواده‌هایی بدهید که بر اثر این جنگ (جنگ جهانی دوم) خانه و کاشانه و یا شوهرانشان را از دست داده‌اند، به مصرف آنان برسانید».

حکایتی نیز شبیه به آن در گفت‌وگوی نویسنده پژوهش حاضر با مرحوم آیت‌الله سید محمد موسوی بجنوردی از نوادگان دختری آیت‌الله اصفهانی ابراز شد که چنین است: «سفیر انگلیس یا نماینده دولت بریتانیا با ایشان ملاقات می‌کند و در این دیدار مبلغ زیادی را به عنوان کمک برای مسلمین تقدیم می‌نماید. آیت‌الله اصفهانی چک را می‌گیرد و معادل آن را اضافه می‌کند و می‌فرماید برای فقرای انگلیسی (لندن) استفاده کنند؛ طوری بود که احترام بیگانگان را هم برمی‌انگیخت» (مصاحبه با موسوی بجنوردی، ۱۳۸۶). حتی وفات سید ابوالحسن اصفهانی هم باعث نجات آذربایجان و مانع جدایی آن از ایران در بحبوحه فتنه پیشه‌وری شد؛ به طوری که با رحلت ایشان اوج محبوبیت این مرجع عالی‌قدر نه تنها در عتبات، در بین شیعیان جهان آشکار شد. در ایران سه روز عزای عمومی اعلام شد. همراهی

مقام‌های دولتی با مردم متدین و روحانیت در آن زمان که فعالیت‌های حزب توده خطری جدی برای اسلام و مردم ایران محسوب می‌شد، بسیار حائز اهمیت بود. به‌خصوص که از زمان رضاخان به این طرف سابقه نداشت که دولت و شاه در یک امر مذهبی اینگونه خود را با مردم و روحانیت نشان دهند. (روحانی و دوانی، ۱۳۸۲، ص ۱۱۳-۱۱۶).

### نتیجه‌گیری

عبتات عالیات همواره کانونی برای حضور مسلمانان به‌ویژه شیعیان و با توجه به وجود مزارهای بعضی از امامان شیعه و والاترین شخصیت‌های جهان اسلام همواره از اصلی‌ترین و مهم‌ترین مراکز معنوی مسلمانان به‌خصوص شیعیان بوده است.

موقعیت هرکدام از شهرها با عنوان عبتات (نجف، کربلا، سامرا و کاظمین) به‌دلیل وجود مزارهای ائمه باعث جاذبه‌های متعددی برای اهل معنا و عموم زائران شده که در این موضوع در ابعاد مختلف از جمله مسائل علمی و شکوفایی فرهنگی و رونق مراکز علمی و آموزشی به‌ویژه حوزه‌های علمیه خاصه در نجف اشرف تبلور خاصی داشته است.

وجود حوزه معنوی- علمی در نجف اشرف از قرن پنجم هجری کانونی شد تا شخصیت‌هایی بسیاری که از نقاط مختلف جهان اسلام برای فراگیری تعلیمات مذهبی و علوم شیعی روی آورده بودند (از عبتات و عراق و یا سایر مناطق)، منشأ آثار و خدمات فراوانی به‌ویژه از حیث علمی، اجتماعی و سیاسی شود. در این میان، بسیاری از آنها در زمره اشخاص مؤثر به حساب آمدند.

عبتات در دو سده گذشته شاهد تحولات چشمگیری از ناحیه شخصیت‌هایی روحانی (نجف، کربلا، سامرا و کاظمین) در زمینه‌های مختلف اعم از رونق و توسعه علوم اسلامی به‌ویژه فقه و اصول بود. این شخصیت‌های پرورش‌یافته حوزه از مهم‌ترین و مؤثرترین نیروهای ضد استعماری به‌ویژه در مقابله با انگلستان و نیز تهدید فرقه‌هایی چون وهابیت بودند.

آیت‌الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی که در جوامع فکری و اجتماعی شیعیان از ایشان به نام افتخار شیعه یا فخر تشیع یاد می‌کنند، از جمله مراجعی است که به‌ویژه در یک

دهه (۱۳۵۵ - ۱۳۶۵ قمری) به عنوان مرجع مطلق نقش بارز و مؤثری در زمینه‌های مختلف سازنده در جهان تشیع و حوزه‌های علمیه آن از جمله عتبات داشته است. به ویژه اینکه به اعتقاد بسیاری از مجامع و شخصیت‌ها به عنوان چهره مردمی، اصفهانی و (در عتبات و یا جهان تشیع) کم‌نظیر تلقی شده است.

مرحوم اصفهانی در طی این مدت در شکوفایی فرهنگی، توسعه و رونق حوزه نجف و سایر شهرهای عتبات نقش بی‌نظیر و مؤثری داشت. جذب طلاب، توسعه و ترمیم مدرسه‌ها، رسیدگی به امور آنان مشهود و چشمگیر بود.

### پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،  
شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴

۱۵

آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی گام‌هایی ارزنده‌ای را در راستای وحدت و هم‌گرایی شیعه و سنی در حفظ استقلال و تمامیت عراق برداشت. ضمن اینکه در حفظ دستاوردهای انقلاب عراق و وجود حاکمیت مردمی مورد غضب پادشاه عراق قرار گرفت. رفتارهای او در مقابله با استعمارگران، حفظ حرمت عتبات و تمامیت شیعه و عامه مسلمانان بود و در این راستا با تمام وجود ایستادگی کرد.

کمک‌رسانی و همراهی‌های مالی اصفهانی و منش ایشان در خدمت به مردم در نجف، کربلا، کاظمین و سامرا محسوس و چشمگیر بود که نمونه‌هایی از آن در این پژوهش با توجه به منابع و اسناد به چشم می‌آید.

پاسخگویی و خدمات مرحوم سید نه تنها محدود به عتبات نبود، به جزء آن ایران، شبه‌قاره هند، مناطقی از شامات و لبنان و بسیاری از مناطق شیعه‌نشین دیگر را هم دربر می‌گرفت.

از جمله تأثیرهای رحلت آیت‌الله اصفهانی در ایران این است که فتنه‌های در حال شکل‌گیری حزب توده و تجزیه آذربایجان از ایران را متوقف کرد؛ به طوری که بزرگ‌ترین مقام اجرایی آن زمان ایران (پهلوی دوم) معتقد بود وفات ایشان (اصفهانی) باعث نجات آذربایجان شده است.

### منابع

۱- صغری‌نژاد، محمد. شکوه مرجعیت (سید ابوالحسن اصفهانی). تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۳.

- الرهیمی، عبدالحلیم. تاریخ جنبش اسلامی در عراق (۱۹۰۰ — ۱۹۲۴)، ترجمه جعفر دلشاد. اصفهان: انتشارات چهارباغ، ۱۳۸۰.
- العاملی، سید محسن امین. اعیان الشیعه. بیروت: دارالتعارف للمطبوعات. بی تا.
- پاک‌نژاد، حسن. زعامت و کرامت: داستان‌هایی آموزنده از آیت‌الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی. تهران: دفتر پژوهش و نشر سهروردی، ۱۳۸۳.
- حائری، عبدالهادی، تشیع و مشروطیت در ایران. تهران: امیرکبیر. ۱۳۶۰.
- دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، مجله حوزه، شماره ۵۲، ۱۳۷۱.
- دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، مجله حوزه، شماره ۶۷، ۱۳۷۴.
- دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، مجله حوزه، شماره ۶۳ و ۶۴، ۱۳۷۳.
- دوانی، علی، نقد عمر (زندگانی و خاطرات). چاپ دوم. تهران: انتشارات رهنمون، ۱۳۸۳.
- رجبی، محمدحسن، علمای مجاهد. تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲.
- روحانی، حمید و دوانی، علی، خاطرات و مبارزات حجة السلام فلسفی. چاپ چهارم. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲.
- ریاحی، محمدحسین. فخر تشیع: حکایاتی از زندگانی فقیه وارسته حضرت آیت‌الله العظمی سید ابوالحسن مدیسه‌ای اصفهانی. اصفهان: انجمن آثار و مفاخر استان اصفهان و انتشارات و سپان، ۱۳۸۷.
- عقیقی‌بخشایشی، عبدالرحیم، علمای معاصر: میرزا علی واعظ خیابانی. قم: دفتر نشر نوید اسلام، ۱۳۸۲.
- مصاحبه با آقای سید محمدکاظم موسوی بجنوردی، ۱۳۸۶.
- مصاحبه با آیت‌الله العظمی حسین مظاهری، ۱۳۸۶.
- مصاحبه با آیت‌الله سید محمد فقیه احمدآبادی، ۱۳۸۶.
- مصاحبه با آیت‌الله سید محمد موسوی بجنوردی، ۱۳۸۶.
- موجانی، سید علی، بازسازی تاریخ فراموش شده (عبتات عالیات: عراق). تهران: مجمع جهانی اهل بیت، ۱۳۸۹.
- موسوی اصفهانی، سید جعفر و میرآقایی، سید هادی، حیات جاودانی: زندگانی آیت‌الله العظمی سید ابوالحسن موسوی اصفهانی. مشهد: انتشارات رستگار، ۱۳۸۵.
- مؤسسه کتاب‌شناسی شیعه، شناختنامه مرحوم آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی. اصفهان، ۱۳۸۷.
- نورمحمدی، محمدجواد، نامه‌ها و مکتوبات آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی (به همراه رساله بیان الحق). اصفهان: انتشارات مرکز تحقیقات رابانه‌ای حوزه علمیه اصفهان، ۱۳۸۸.